

# مبانی توجیهی استفاده از سلاح غیر کشنده در تعقیب متهمان

تاریخ پذیرش: 1396/07/13

تاریخ دریافت: 1396/05/27

علی مودتی<sup>1</sup>، عابدین صفری کاکرودی<sup>2</sup>، مسعود بیرانوند<sup>3</sup>

از صفحه 151 تا 176

## چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مشکلات یا معضلاتی که مأموران پلیس با آن دست به گریبان هستند مشکلات ناشی از به کارگیری سلاح گرم در مأموریت‌های پلیسی است به نحوی که سالانه عده‌ای از مردم و متهمان در نتیجه استفاده افسران پلیس از سلاح کشنده دچار مرگ، آسیب جدی و دچار ضرر و زیان مالی و جانی می‌شوند. در این پژوهش، محقق به دنبال ارائه راهکارهای مناسب برای استفاده از سلاح غیر کشنده در تعقیب متهمان و پایین آمدن آمار تلفات ناشی از تیراندازی پلیسی است.

**روش‌شناسی:** تحقیق از لحاظ هدف کاربردی است و از لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی است یعنی ضمن توصیف وضع موجود با استدلال عقلانی و قیاسی به محاسن و معایب وضع موجود پرداخته و قواعد حقوقی بهتر و کاراتری را در این حوزه پیشنهاد می‌دهد.

**یافته‌ها:** با بررسی و تحقیق به عمل آمده بکارگیری سلاح‌های غیر کشنده نسبت به سلاح‌های کشنده نقش مؤثری در کاهش پیشامدهای اجتماعی و سازمانی ناجا دارد که در این راستا راهکارهایی شناسایی و پیشنهاد گردید.

**نتیجه‌گیری:** استفاده از سلاح غیر کشنده نقش حساسی بر اجتماع و سازمان پلیس دارد. اولین اثر آن کاهش تلفات انسانی است که با توجه به آیات قرآن، احادیث و منابع فقهی حفظ جان انسان و احتیاط در دماء یکی از مهم‌ترین اثرات استفاده از سلاح غیر کشنده است. دومین اثر آن با توجه به ماهیت سلاح که کشنده نیست، سبب افزایش جامعه محوری پلیس از منظر مردم می‌گردد که خود این امر سبب بالا رفتن رضایت از سازمان شده و در ضمن سبب کاهش هزینه‌های پرداخت دیه نیز می‌شود که خود این امر سبب حفظ بودجه سازمان و صرف تعالی سازمانی می‌گردد. سومین اثر آن با توجه به کاهش قتل و صدمه جسمانی در حوزه مأموریت‌های پلیس، این امر سبب کاهش شکایات از کارکنان و عدم سلب انگیزه از مأموران می‌گردد که خود این امر نقش بسزایی در پویایی سازمان دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سلاح‌های غیر کشنده، سلاح کشنده، حق حیات، احتیاط در دماء.

1- مربی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) Ali.Mavadati@gmail.com

2- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

3- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس

برقراری نظم و امنیت عمومی در داخل کشورها، اصولاً برعهده نیروی انتظامی (پلیس) است که به منظور نیل به آن اقدامات و فعالیت‌های اجرایی گسترده‌ای صورت می‌گیرد. این اقدامات طیف وسیعی از عملیات‌ها را در برمی‌گیرد که نوعاً بسیار متفاوت با یکدیگر می‌باشند؛ به طور مثال گاهی مأموریت پلیس در دریا و حراست از آن در مقابل قاچاق کالا و یا ورود غیرمجاز است و گاهی مأموریت آن برخورد با شورش و خرابکاری در مناطق شلوغ و پر رفت و آمد شهری است.

با این حال در تمامی مأموریت‌ها، ابزار اصلی پلیس، استفاده از سلاح گرم و تیراندازی با آن می‌باشد. این سلاح‌ها از قدرت کافی در برخورد با مجرمین و کنترل موقعیت‌ها برخوردار هستند اما در مواردی نیز به‌کارگیری آنها متناسب با موقعیت و خطر ایجاد شده نیست؛ مثلاً مأموری که در قایق مستقر است، قادر نیست به دقت هدف‌گیری کرده و ضوابط موجود در قانون به‌کارگیری سلاح (تیراندازی هوایی، کمر به پایین و...) را رعایت کند. همچنین ممکن است مأمور پلیس در موقعیتی قرار گیرد که امکان آسیب به افراد بی‌گناه در صورت تیراندازی وجود داشته باشد. در این مواقع استفاده از سلاح‌های گرم می‌تواند خسارات مالی و جسمانی در رابطه با افراد بی‌گناه، مأمورین و یا آسیب بیش از حد به مجرمین و متهمین به بار آورده و حتی در مواردی نیز موجب مرگ ایشان شود. امری که می‌تواند تبعات اجتماعی منفی از جمله به خطر افتادن نظم اجتماعی و حقوق شهروندی را در پی داشته و باعث محکومیت مأمورین پلیس به پرداخت دیات و حتی در مواردی قصاص ایشان شود.

به منظور حل این مسئله، امروزه نوع جدیدی از سلاح‌ها به نام «سلاح‌های غیرکشنده» پیشنهاد شده است؛ این سلاح‌ها، در عین کارآمدی در موقعیت‌ها و شرایط مختلف، غالباً خطرات سلاح‌های کشنده را نیز به همراه ندارند و این فرصت را برای نیروهای پلیس فراهم می‌کنند که مأموریت‌های مختلف خویش را به مؤثرترین شکل ممکن به انجام رسانند.

## بیان مسأله

یکی از مشکلات یا معضلاتی که مأموران پلیس با آن دست به گریبان هستند مشکلات ناشی از به کارگیری سلاح گرم در مأموریت‌های پلیسی است به نحوی که سالانه تعداد زیادی از افسران و درجه‌داران پلیس برای ارتکاب قتل یا صدمات جسمانی ناشی از به کارگیری سلاح در دادگاه‌های نظامی مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در بعضی موارد شخصاً محکوم و در موارد دیگر سازمان پلیس متکفل پرداخت دیه می‌گردد و مبلغی هنگفتی سالانه به عنوان دیه به متهمین یا مجرمین غیرمهدورالدم یا افراد غیرمقصر (مردم عادی موجود در صحنه عملیات پلیسی) پرداخت می‌گردد. استفاده از سلاح‌های کشنده به وسیله افسران پلیس هم اکنون دو مشکل جدی برای جامعه ایجاد کرده است.

اول: استفاده از سلاح‌های کشنده به کرات سبب بازشدن پای افسران استفاده‌کننده از آن به دادگاه و محکوم‌شدن به پرداخت دیه، قصاص و زندان شده است.

دوم: عده‌ای از مردم در نتیجه استفاده افسران پلیس از سلاح کشنده دچار آسیب جدی و دچار ضرر و زیان مالی و جانی می‌شوند.

با توجه به نظرات حقوق‌دانان و محققان که بین آنها تشتت آراء و اختلاف وجود دارد و عده‌ای تأکید بر عدم استفاده از سلاح گرم در موارد غیرضرور یا عدم مجهزبودن به سلاح را بیان نموده‌اند و عده‌ای می‌گویند این مطلب با واقعیت جامعه تطابق چندانی نداشته و نمی‌توان مأمور را به انجام مأموریت اعزام درحالی‌که از لحاظ تجهیزات همانند یک فرد عادی باشد آن هم با این تفکر که مسلح نبودن مأمور مشکلات ناشی از استفاده از سلاح گرم را حل می‌کند و با توجه به اینکه در این راستا سازمان پلیس و افسران آن مدت زیادی است دریافته‌اند که فاصله خالی خطرناکی در گستره ابزار در دست‌رسان وجود دارد. مهم‌ترین ابزارهای آنان باتوم (درصورت همراه داشتن) و سلاح گرم یا خیلی ضعیف یا خیلی قوی هستند که باید به تمام شرایطی که پلیس در آنها درگیر است پاسخ دهند. در دستگیری‌ها، کنترل خشونت‌ها و ... افسران ممکن است مجبور به استفاده غیرضروری از پاسخ‌های قوی باشند که دلیل آن نبود سلاح‌های جایگزین مؤثر است.

این مشکلات تلاش برای جایگزینی سلاح‌های غیرکشنده را طلب می‌کند این سلاح‌ها تجهیزاتی هستند که در کنار مؤثر بودن در ایجاد نظم، خطر مرگ و میر را به

حداقل می‌رساند و با توجه به اینکه پلیس نقش پیشگیری از جرم را داشته و در مواردی نیز، برخورد قاطع با متهمین در صحنه را برعهده دارد نظر به اینکه این برخورد در داخل کوچه، خیابان و اماکن شهری انجام می‌پذیرد و مردم اعم از زن، بچه، کودک و ... نیز ممکن است در آنجا وجود داشته باشند در صورت استفاده از سلاح‌های کشنده ممکن است به‌جای متوقف نمودن متهم، به اشتباه مرد، زن، کودک و ... از بین بروند که نمونه‌های این موضوع زیاد دیده شده است با توجه به مطالب بالا در این پژوهش سعی بر این است تا مبانی توجیهی استفاده از سلاح غیرکشنده در تعقیب متهمان را تبیین تا مسیر استفاده از سلاح‌های غیرکشنده هموار شود.

### مبانی نظری

**تعریف سلاح:** در کتاب‌های لغت فارسی سلاح در معانی آلت جنگ، چون تیغ و خنجر و مانند آن که اسلحه جمع آن است و ساز جنگ و آلتی که بدان جنگ کنند آمده است.

سلاح یا جنگ‌آزار، وسیله‌ای است که برای کشتار و تخریب به‌کار می‌رود. از بعضی سلاح‌ها برای کاربردهای غیرنظامی مانند ورزش، تفریح و شکار نیز استفاده می‌شود. در تعریف اصطلاحی سلاح به ابزاری اطلاق می‌شود که برای نبرد با دشمن ساخته شده است؛ خواه برای حفظ بدن در برابر یورش دشمن باشد، مانند کلاه‌خود، سپر و زره، یا برای تهاجم و ضربه‌زدن به دشمن، مانند تفنگ، شمشیر و نیزه و ... .

**سلاح کشنده:** سلاح‌هایی که صرفاً به‌منظور کشتن ساخته‌شده و بیشتر جنبه نظامی دارد اما در نیروهای پلیس نیز با توجه به نوع مأموریت کاربرد دارد. سلاح‌های کشنده به اعتبار آتشین بودن یا غیرآتشین بودن به دو دسته سلاح‌های گرم و سرد تقسیم می‌شوند (رضوی، 1392: 17).

**سلاح غیرکشنده:** از نظر علمی سلاح و مهمات غیرکشنده، تحت هرگونه به‌کارگیری باعث مرگ فرد مظنون نمی‌شود و از نظر عملیاتی سلاح و مهمات غیرکشنده در عملیات نظامی کارایی نداشته و یا فقط در عملیات ضدشورش و پلیسی بهترین کارایی را دارند (ظهربابیان، 1387: 11). دسته‌بندی کلی این سلاح و تجهیزات عبارتند از:

- شوکر و تیزر

- گلوله غیرکشنده

- نارنجک و افشانه‌های غیرکشنده

- سلاح‌های پلیسی غیرکشنده

### تعریف متهم

قانونگذار تعریقی از متهم نکرده ولی دکتترین و حقوقدانان تعاریف زیاد و مختلفی از متهم کرده‌اند و نیز باید به این نکته توجه شود که متهم با مجرم متفاوت است.

متهم کسی است که گمان می‌رود از ناحیه وی یا یک یا چند جرم واقع شده است؛ ولی هنوز این ادعا ثابت نشده است و ممکن است بی‌گناهی او احراز شود و با توجه به این که جرم مشهود بوده یا غیرمشهود محدودیت‌هایی بر متهم اعمال می‌شود (دلروز، 1394: 17).

حق حیات بنیادی‌ترین حق انسان: حقوق بشر به عنوان امتیازاتی که انسان ذاتاً دارا است در زمان بعد از جنگ جهانی دوم نمود جهانی یافت، این در حالی است که متعالی‌ترین تعابیر در خصوص جایگاه انسان در نظام خلقت در تعالیم و آموزه‌های دین مبین اسلام یافت می‌شود. البته در سده‌های اخیر و پس از تحقق انقلاب‌های آزادی‌خواهانه در کشورهای مختلف جهان به ویژه اروپا در قرون 18 و 19 میلادی؛ اندیشمندان در پی تعبیه ساختارها و تضمیناتی بودند که به واسطه آن از احترام به کرامت و حیثیت انسان‌ها در برابر قدرت حاکمان حمایت گردد. انسان بودن هر انسانی، اقتضای آن را دارد که حقوق و امتیازات خاصی برای او در نظر گرفت، تضمین این امتیازات در برابر صاحبان قدرت نیازمند در نظر گرفتن ابزارهای کارآمدی است. از این رو درج مجموعه حقوق و آزادی‌های عمومی در اسناد بین‌المللی و داخلی موضوعیت یافت و اساسی‌ترین حقوق بشر در سطوح مختلف جنبه قانونی به خود گرفت (هاشمی، 1384: 136).

حقوق قابل تحدید و نقض انسان: در نظام بین‌الملل حقوق بشر دو تأسیس شناخته شده وجود دارد: یکی از آن دو، حقوق و آزادی‌های انسان‌ها را در وضعیت عادی محدود

می‌سازد و دیگری حقوق و آزادی‌ها را در وضعیت اضطراری به حالت تعلیق در می‌آورد. اعمال هر یک از آن دو متوقف بر تحقق شرایطی است. حقوق و آزادی‌های انسان‌ها در یک جامعه می‌تواند محدود گردد. گاه ممکن است حق‌ها در مقابل یکدیگر قرار گیرند. حق‌ها همچنین ممکن است در تراحم با دیگر دغدغه‌های اخلاقی اجتماع قرار گیرند. در این گونه موارد می‌توان از تعارض حق‌ها با یکدیگر و یا تعارض حق‌ها با دیگر هنجارهای اخلاقی و اجتماعی سخن گفت. عوامل متعددی همچون امنیت ملی، تمامیت ارضی، رفاه و آرامش عمومی، نظم عمومی، اخلاق حسنه، بهداشت عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران، می‌توانند محدود ساختن حق‌ها را سبب گردند.

در ارتباط با محدود کردن قلمرو حق‌ها، دو رویکرد می‌تواند وجود داشته باشد. یک رویکرد آن است که از ابتدا حق را به صورت محدود تعریف کنیم. در رویکرد دوم، ممکن است مسئله را از منظر تعارض ببینیم. افراد حق آزادی بیان دارند. این حق به صورت تعریف نشده‌ای مطرح است؛ ولی اعمال آن در برخورد با حقوق دیگران محدود خواهد شد. همان‌گونه که افراد حق آزادی بیان دارند، دیگران نیز حق بهره‌مند شدن از حریم شخصی و حیثیتی غیرقابل تعرض دارند. حق آزادی بیان در مواردی می‌تواند در تعارض با حق دوم قرار گیرد. در صورتی که فرد بخواهد با اعمال حق آزادی بیان، حیثیت دیگران را هتک کند، در واقع حق دیگران را نقض کرده است. این حق می‌تواند آزادی بیان او را محدود کند.

**حقوق غیرقابل نقض انسان:** میزان ارج و احترام شارع به مسئله نفوس و حفظ جان آدمی بر کسی پوشیده نیست و شارع حکیم در بسیاری از آیات و روایات بر لزوم حفظ و پاسداشت جان آدمیان و حرمت شدید قتل نفس تأکید ورزیده است.

خداوند در آیه 33 سوره مبارکه اسراء به صورت حکم کلی فرموده است:

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» کسی را که خداوند خورش را حرام کرده

است، به قتل نرسانید، مگر آنجا که به حق باشد.

قوانین بشری در آن متفق‌اند و آن را یکی از بزرگ‌ترین گناهان می‌شمرند، ولی اسلام اهمیت بیشتری به این مسأله داده، تا آنجا که قتل یک انسان را همانند کشتن همه انسان‌ها شمرده است:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: 32): هرکسی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است و هر کسی انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است «کسی از شما با اسلحه به برادرش اشاره و نشانه‌گیری نکند او نمی‌داند شاید شیطان در دست او قرار بگیرد (و تیر را رهاکند) و وی در حفره‌ای از آتش قرار بگیرد» (میرخلیلی، 1390: 105).

نه تنها قتل نفس، بلکه کمترین و کوچکترین آزار رساندن به یک انسان از نظر اسلام مجازات دارد و می‌توان با اطمینان گفت این همه احترام که اسلام برای خون جان و حیثیت انسان قائل شده است، در هیچ آیینی وجود ندارد. در این باره روایات گوناگونی وجود دارد. (مغربی، 1383: 602).

حق حیات به سبب توقف دیگر حقوق بر وجود آن، پایه و اساس تمامی حقوق بشر محسوب می‌شود. این حق به دلیل نقش بنیادین خود، به عنوان برترین حق شناخته شده است. در میان حقوقی که مکاتب و مذاهب و ادیان برای بشر قائل شده‌اند، حق حیات یا حق زندگی به مثابه چشمه‌ای است که سایر حقوق از آن جوشیده و برآمده است. هر حقی را که برای انسان در نظر بگیریم و هر کمالی که انسان باید به آن برسد، وابسته به حیات است. کسی که می‌خواهد مدارج کرامت و کمال انسانی را طی کرده و به آخرین پله‌های تعالی صعود کند باید حیات داشته باشد (کشتکار، 1392: 5).

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز طی عبارتی مختصر حق حیات را به رسمیت شناخته: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد» همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یکی از مهم‌ترین اسناد الزام‌آور بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر است که به نحو کاملتری مساله حق حیات را مطرح نموده و به رسمیت شناخته است. مساله نقض حقوق بشر و تجاوز به آزادی‌های اساسی افراد، به خصوص از سوی دولت‌ها و قدرت‌های حاکم، نسبت به افراد متبوع و تحت حاکمیتشان، پیدا کردن راه‌حل‌های مؤثر و تأثیرگذار برای جلوگیری از این وضع و تضمین حمایت از حقوقی افراد، یکی از اهداف مهم نظام بین‌المللی امروزی است.

**احتیاط در دماء:** یکی از اصول اساسی و مسلم آیین اسلام، مسئله جان انسان و حفظ آن است. احکام دیگر همچون عبادات، احکام مربوط به اموال، اعراض و ... همگی پیرو و وابسته به وجود انسان‌اند؛ چون باید انسان وجود داشته باشد تا این احکام درباره او جریان یابد؛ با این حال، آیین اسلام در برخی موارد، حکم به قتل یک انسان صادر کرده است؛ زیرا گاه حفظ نظم و امنیت جامعه یا دین، بر حفظ جان یک انسان برتری می‌یابد؛ ولی آنچه در چنین مواردی باید مورد توجه و دقت عمل قرار گیرد، آن است که در صدور حکم به قتل یک انسان باید احتیاط کامل رعایت شود؛ یعنی در صورت وجود شبهه، خواه شبهه موضوعیه یا حکمی باشد، در مرحله قانونگذاری و اجرای آن اگر قطع نباشد، حکم به قتل نباید صادر شود. این حکم نشانه پذیرش همراه با محدودیت مجازات مرگ توسط شارع مقدس اسلام است. حکم کلی احتیاط در دماء، یکی از احکام مشهوری است که فقها پذیرفته و بدان عمل می‌کنند و مستند آن، قرآن، سنت، اجماع، تسالم فقها، بنای عقلا و استصحاب حرمت دماء است.

### مدل مفهومی پژوهش



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش



## پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مختلفی به استفاده پلیس از سلاح توجه نشان داده شده است و هر یک از نقطه نظری این موضوع را بررسی نموده است لکن بر استفاده از سلاح‌های غیرکشنده تأکید نگردیده است، مواردی ذیل به عنوان پیشینه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

نجفی توانا و حسینی (1393) در پژوهشی رویکردها و سیاست جنایی تقنینی مقنن ایران در خصوص بکارگیری سلاح توسط مأمورین پلیس را بیان نموده و با کمک نظریه‌ها و مدل‌های سیاست جنایی، نسبت به احصاء موارد ابهام استفاده از سلاح اقدام نموده‌اند.

مودتی، علی (1390) در کتاب سلاح‌های غیرکشنده به تبیین، تقسیم‌بندی سلاح‌های غیرکشنده نموده و کاربردها، محاسن و معایب بکارگیری از سلاح‌های غیرکشنده را عنوان نموده است.

افراسیابی (1394) در پژوهشی به سیاست‌های جنایی ایران و فرانسه در رابطه با نحوه بکارگیری سلاح گرم پرداخته و ضمن اشاره به چالش‌های حقوقی بکارگیری سلاح در ایران، راهکارهای لازم با توجه به سیاست جنایی فرانسه در قبال استفاده از سلاح را برای مأمورین پلیس ایران پیشنهاد داده است.

صفری کاکرودی (1391) در پژوهشی با عنوان «مسئولیت مأموران پلیس در پرتو قاعده ضرورت» به موارد ضروری به‌کارگیری سلاح پرداخته و به این نتیجه رسیده است که علی‌رغم اینکه عنوان قانون، قانون به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری است ولی؛ قانونگذار در غیر موارد ضروری نیز دستور به‌کارگیری سلاح را داده است که این موضوع سبب شده است مأموران پلیس اهمیت حیات انسانی را به خوبی تشخیص ندهند.

## روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است چون قصد دارد، راهکارهایی برای حل مشکل ارائه دهد، از لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی است یعنی ضمن توصیف وضع موجود با استدلال عقلانی و قیاسی به محاسن و معایب وضع موجود پرداخته و

قواعد حقوقی بهتر و کاراتری را در این حوزه پیشنهاد می‌دهد. و شیوه جمع‌آوری داده و اطلاعات نیز، کتابخانه‌ای است.

## یافته‌های پژوهش

**مسئولیت‌آور بودن استفاده از سلاح کشنده:** استفاده از سلاح کشنده در تعقیب متهمان و اجرای مأموریت‌های پلیسی در ایران، ضمانت اجرای کیفری، مدنی و انضباطی در پی دارد. ضمانت اجرای کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب 1382 بیان شده‌اند (مالمیر، 1386: 156) و ضمانت اجرای انضباطی در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح و قانون استخدامی ناجا در بخش کمیسیون‌های انضباطی موضوع قانون تشکیل هیات‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب 24/12/1395 آمده‌اند.

**ایجاد مسئولیت مدنی برای مأموران پلیس:** برابر ماده 41 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح چنانچه مأموری برخلاف مقررات قانون بکارگیری سلاح تیراندازی نماید علاوه بر مسئولیت کیفری مسئولیت مدنی نیز خواهد داشت، زیرا قانونگذار صراحتاً علاوه بر اینکه مجازات سه ماه تا یک سال حبس را مقرر کرده و در صورتی که تیراندازی منجر به قتل و جرح شود حسب مورد قصاص یا دیه را پیش بینی کرده، جبران خسارت وارده را نیز برای مرتکب مورد حکم قرار داده است.

ماده 473 همان قانون در خصوص تیراندازی قانونی مأموران مقرر داشته: «هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود دیه بر عهده بیت‌المال است». بنابراین مأمور ناچار است که در زمان اخذ دستور تیراندازی دقت کند که آیا این امر آمر قانونی است یا خیر. چنانچه مأمور بدون اشتباه قابل قبول دستور غیرقانونی تیراندازی را اجرا نماید مسئولیت کیفری و مدنی دارد، همان طور که آمر هم از این مسئولیت مستثنی نیست و در صورتی که آمر غیرقانونی بوده و مأمور به واسطه اشتباه قابل قبول آن را اجراء کرده باشد گفته شده فقط پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده مأمور خواهد بود (حسینی، 1392: 43)؛ ولی این نظر اگر چه مطابق با ماده 57 قانون مجازات اسلامی سال 1370 است، لکن با

توجه به ماده 159 قانون مجازات اسلامی سال 1392 که مقرر کرده است در دیه و ضمان مالی تابع مقررات مربوطه است، باید به کتاب دیات و موجبات ضمان مراجعه کنیم که طبق ماده 526 قانون مجازات اسلامی در صورت اجتماع سبب و مباشر در صورتی که مباشر (مامور) جاهل باشد فقط سبب (آمر) ضامن است (صفری کاکرودی، 1395: 171) ولی اگر مامور با علم به غیر قانونی بودن امر صادره و یا با اشتباه غیرقابل قبول اقدام به تیراندازی کرده باشد، علاوه بر مسئولیت کیفری دارای مسئولیت مدنی نیز خواهد بود.

**ایجاد مسئولیت کیفری برای مأموران پلیس:** برابر ماده 16 قانون به کارگیری سلاح هرگاه مأمور برخلاف مقررات این قانون اقدام به کارگیری سلاح نماید حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی محکوم می‌شود.

ماده 41 ق.م.ج.ن.م نیز مقرر داشته: هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد و چنانچه از مصادیق مواد 612 و 614 ق.م.ا. مصوب 2/3/1375 باشد به مجازات مذکور محکوم خواهد شد (حسینی، 1392: 43).

ملاحظه می‌گردد که ماده 41، تیراندازی عمدی برخلاف مقررات را جرم محسوب و صرف‌نظر از نتیجه تیراندازی قابل مجازات می‌داند و چنانچه تیراندازی منجر به قتل یا جرح نیز بشود علاوه بر آن مجازات قانونی، حسب مورد ممکن است به قصاص و یا پرداخت دیه محکوم گردد و در صورت وجود شرایط مشمول ماده 612 و 614 ق.م.ا. می‌گردد. بنابراین در صورتی که تیراندازی منجر به قتل فردی شود به استناد ماده 612 ق.م.ا. اگر شاکی نداشته یا شاکی گذشت نماید و یا به هر علت قصاص نشود و همچنین اگر مأمور بر اثر تیراندازی عمدی دیگری را مجروح نماید در صورتی که اقدام مأمور موجب اخلال در نظم و امنیت و صیانت جامعه شود یا بیم تجری دیگران باشد دادگاه مرتکب قتل را به حبس از سه تا ده سال و مرتکب جرح را به دو تا پنج سال محکوم می‌نماید.

تبصره ماده 42 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مقرر داشته: «چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول با مجروح مقصر نبوده و بیگناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد» (دلروز، 1394: 64).

ماده 13 قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران در موارد ضروری نیز مقرر داشته: «در صورتی که مأموران با رعایت مقررات این قانون سلاح به‌کار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالحه شخصی یا اشخاص بیگناهی مقتول و یا مجروح و یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوطه خواهد بود و ... (شعاریان، 1388: 52).

آسیب‌زا بودن استفاده از سلاح کشنده: در قانون به‌کارگیری سلاح، وظایف و مسئولیت‌های متعددی برای پلیس پیش‌بینی شده است که رعایت نکردن این اصول، هزینه‌های سنگینی را برای مأموران و ناجا در پی خواهد داشت؛ البته اشکالاتی در اجرای آن مشاهده می‌شود. برای مثال قانون‌گذار به مأموران اجازه داده است قبل از اجرای تیراندازی به سمت متهم یک تیر اخطار به‌صورت هوایی شلیک کنند تا هم با متهم اتمام حجت شده باشد و هم اینکه مردم حاضر در صحنه عملیات متوجه اجرای تیراندازی شده و بتوانند صحنه را ترک‌نموده و یا جان پناه اتخاذ نمایند؛ ولی واقعیت آن است که مرمی فشنگ هوایی شلیک شده از جو زمین خارج نمی‌شود تا بتوانیم آنرا بی‌خطر فرض کنیم.

مشاهده شده است مرمی شلیک‌شده در برگشت شتاب عکس گرفته و قدرت آسیب‌رساندن را دارد و یا در اثر برخورد با نقاط سخت ساختمان‌های بلند دو پهن‌شده کمانه‌کرده منحرف می‌شود که در هر دو صورت اگر به فرد یا افرادی برخورد کند، قدرت لازم و کافی برای مجروح کردن یا کشتن آنها را دارد.

وظیفه پلیس برقراری نظم است. مخاطبان اقدامات پلیسی، شهروندان همان جامعه‌ای هستند که پلیس از طرف آنها اقدام می‌کند. این شهروندان، از حقوق و آزادی‌های شهروندی برخوردارند. این واقعیت‌ها الزاماتی را بر پلیس تحمیل می‌کنند که

در پرتو آنها، پلیس نمی‌تواند از هر روش و ابزاری برای برقراری نظم استفاده کند. پلیس برای برقراری نظم از دو نوع ابزار می‌تواند بهره ببرد.

1- ابزارهای نظامی، سرکوبگر و غیراقتناعی؛ 2- ابزارهای مدنی، اجتماعی و اقتناعی.

163

در رویکرد نظامی، اقدامات پلیس در راستای برقراری نظم در قالب «جنگ با جرم» جای می‌گیرد و پلیس به استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نظامی سوق می‌یابد. در این رویکرد، سازمان پلیس به ابزارها و تجهیزات پیشرفته تجهیز می‌شود و این امر، سازمان را در قالب نظامی قرار می‌دهد. طبیعتاً در این قالب، آموزش و منش نیروهای پلیس نیز رنگ و بوی نظامی به خود می‌گیرد. در رویکرد مدنی - اجتماعی، نهاد پلیس به سمت استفاده از ابزارهای مدنی و اجتماعی سوق می‌یابد و مأموران پلیس از حیث تجهیزات، لباس و نحوه رفتار با دیگران، تفاوت چندانی با شهروندان عادی ندارند (افراسیابی، 1394: 200).

بدین ترتیب مخاطبان اقدامات پلیسی به دو دسته «شهروندان قانون‌گرا» و «شهروندان قانون ستیز» تقسیم می‌شوند. این دو قشر همواره در کنار یکدیگرند و تمایز فیزیکی از هم ندارند. اقدامات پلیس در راستای کنترل بزهکاران می‌تواند بر شهروندان قانون‌گرا نیز مؤثر باشد. از این رو، می‌توان گفت که تجهیز پلیس به سلاح گرم یا ابزارهای مرگباری که می‌تواند برای شهروندان قانون‌گرا خطرناک باشد، ارتباط مستقیمی با میزان توجه به ایمنی و سلامت شهروندان دارد: چرا که به هر میزان امکان حمل سلاح در مأموریت‌های سازمانی وجود داشته باشد، به همان میزان امکان جراحت یا قتل شهروندان بیگناه در نتیجه اشتباه در هدف‌گیری یا اشتباه در هویت افزایش می‌یابد. حتی اگر فرد مورد هدف همان مظنون باشد، باز هم امکان خطا وجود دارد (راتز، 1388: 55).

مخاطبان اقدامات پلیسی شهروندان جامعه‌اند و از حقوق شهروندی برخوردارند. این امر ایجاب می‌کند که رویکرد پلیس در برقراری نظم، نظارت و کنترل رفتارهای شهروندان باشد و از رویکردهای سرکوبگر و مرگبار اجتناب شود. همچنین ابزارهایی که در اختیار پلیس قرار می‌گیرد، باید به گونه‌ای باشد که به میزان ضرورت، مأموران پلیس

را در برقراری نظم یاری کند. در خصوص این ابزارها، ارشادیه سازمان ملل متحد در سال 2004 بیان می‌دارد:

«تمام ادارات پلیس باید طیفی از ابزارها را برای استفاده متنوع از زور در اختیار مأموران قرار دهد»

### آسیب‌های عدم توجه به سلاح‌های غیر کشنده

آسیب‌های فردی مأموران: یکی از مشکلات یا معضلاتی که مأموران پلیس با آن دست به گریبان هستند مشکلات ناشی از به‌کارگیری سلاح گرم در مأموریت‌های پلیسی است به نحوی که سالانه تعداد زیادی از افسران و درجه‌داران پلیس برای ارتکاب قتل یا صدمات جسمانی ناشی از به‌کارگیری سلاح در دادگاه‌ها مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در بعضی موارد شخصاً محکوم و در موارد دیگر سازمان پلیس متکفل امور می‌گردد.

**محکومیت به قصاص:** قانونگذار در ماده 41 قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح «هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از سه ماه تا یک‌سال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد و چنانچه از مصادیق مواد (612) و (614) قانون مجازات اسلامی مصوب 1375/3/2 باشد به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.»

لذا اگر مأموران مسلح در حین خدمت یا مأموریت، برخلاف موارد ذکر شده اقدام به تیراندازی نموده و سبب مجروحیت یا کشته‌شدن فردی شوند برابر قانون به قصاص محکوم خواهند شد. نمونه‌های این مورد هم کم نیست، مأمورانی که در راستای اجرای مأموریت و فشارهای ناشی از آن در لحظه با توجه به احساسات و تفکر خود تصمیم‌گیری و اقدام به تیراندازی نموده و به خیال خود به وظایف قانونی خود عمل می‌کنند اما نتیجه آن قصاص یا تلاش برای رضایت از خانواده متهم یا قربانی است که با بررسی تحقیقات میدانی در این خصوص تقریباً نتیجه پایانی یک درصد از پرونده‌های مفتوحه، متأسفانه به قصاص مأمور پلیس منتج می‌شود.

**محکومیت به دیه:** یکی از آسیب‌های به‌کارگیری سلاح کشنده محکومیت مأموران به پرداخت دیه است زیرا در قانون مجازات اسلامی در خصوص قتل خطای محض، شبه‌عمد و قتل عمد در صورت منتج‌نشدن به قصاص، گریبانگیر قاتل می‌گردد دیه است. افسران و درجه‌داران پلیس برای ارتکاب قتل یا صدمات جسمانی ناشی از به‌کارگیری سلاح در دادگاه‌ها مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در بعضی موارد شخصاً محکوم و در موارد دیگر سازمان پلیس متکفل پرداخت دیه می‌گردد که مبلغی که سالانه به‌عنوان دیه به متهمین یا مجرمین غیرمهدورالدم یا افراد غیرمقصر (مردم عادی موجود در صحنه عملیات پلیسی) پرداخت می‌گردد بالغ بر چندین میلیارد تومان است. این موضوع نه تنها سبب از بین رفتن بودجه سازمان و بیت‌المال می‌گردد بلکه در مواردی که مأمور خود محکوم به پرداخت دیه می‌گردد سبب ایجاد مشکلات عدیده مالی، خانوادگی و ... برای فرد می‌شود ضمن اینکه در صورت عدم پرداخت باید تا زمان پرداخت در زندان بماند و در صورتی هم که بتواند دیه مشخص شده را بپردازد انگیزه و جرأت خود را از دست می‌دهد.

**محکومیت به حبس تعزیری:** یکی دیگری از مشکلات استفاده از سلاح کشنده اشتباهات مأموران و عدم امکان رعایت شرایط قانونی و محکومیت مأموران به حبس است، زندان یکی از مجازات‌هایی است که در شرایط خاص برای متهم محکوم به قصاص صادر می‌شود لذا، اگر تیراندازی مأموران منجر به قتل فردی شود به استناد ماده 612 تعزیرات و مجازات‌های بازدانه قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 اگر شاکی نداشته یا شاکی گذشت نماید و یا به هر علت قصاص نشود و همچنین اگر مأمور بر اثر تیراندازی عمدی دیگری را مجروح نماید، در صورتی که اقدام مأمور موجب اخلال در نظم و امنیت و صیانت جامعه شود یا بیم تجری دیگران باشد دادگاه مرتکب قتل را به حبس از سه تا ده سال و مرتکب جرح را به دو تا پنج سال محکوم می‌نماید.

لذا مأموران ناجا هم از این قانون مستثنی نبوده در صورت داشتن شرایط ذکر شده به زندان می‌افتند. سلب آزادی انسان و نگهداری او در زندان به عنوان مجازات، دارای معایب و مفاسدی زیادی است. از جمله پیامدهای منفی زندان می‌توان از تأثیر روانی زندان بر زندانی نام برد مخصوصاً اگر فرد خود مأمور اجرای قانون باشد و در زمان عمل به وظیفه قانونی خود به خاطر اشتباه در تیراندازی به زندان بیافتد، بدین مفهوم که زندان هویت محکوم را از میان می‌برد و به ویژه در زندان‌های بلندمدت چنان اختلالی

در شخصیت او به وجود می‌آورد که نتیجه آن پیروی کورکورانه و محض یا حالت تهاجمی است که به شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می‌شود و هم چنین زدن برچسب مجرم بر محکوم و زندانی و جداکردن او از جامعه و زندگی در شرایط خاص سبب می‌شود که محکوم زندانی رفته رفته حس مسئولیت‌پذیری خود را نسبت به کسانی که او را از آن خود نمی‌دانند، از دست بدهد و پس از خروج از زندان تکلیف کمتری نسبت به رعایت ارزش‌های مورد قبول جامعه در خود احساس کند (پورهاشمی، 1383).

### مرگ و میرهای ناشی از سلاح‌های کشنده

**خطرات گلوله‌های جنگی:** علت اصلی مرگ و میر ناشی از تیراندازی‌ها با سلاح‌های پلیسی و جنگی، رد شدن مرمی از اعضای حساس و حیاتی بدن است. اگر سرعت ساچمه یا مرمی فشنگ سلاح سبکی بیشتر از 344 متر بر ثانیه باشد. یا بتواند بیشتر از 500 متر پرواز کند معادل 80 ژول فشار برای عبور از بدن یک انسان را در اولین برد مؤثر دارد. این در حالی است که ساچمه‌ها در تفنگ‌های ساچمه‌زن پلیس و یا مرمی فشنگ ضعیف‌ترین سلاح پلیسی (خفیف یا با کالیبرهای بالاتر شامل تپانچه‌ها، مسلسل‌ها و تفنگ‌های) ساچمه‌زن و یا گلوله‌زن در اولین برد مؤثر به ترتیب (15، 25 و 50 متر) حدود 80 ژول فشار برای عبور از یک انسان را دارند (اقلیمی، 1395: 17).

همچنین مرمی فشنگ تمام سلاح‌های سبک نظامی در اولین برد مؤثر (100 متر) به بعد بیش از 2700 ژول فشار در جان لوله دارند که از این مقدار حدود 320 تا 480 ژول آن بسته به نوع سلاح به مرمی منتقل می‌شود. پس تنها با دانستن برد نهایی مرمی سلاح جنگی، فوراً می‌توان محاسبه نمود که کدام مرمی در کدام مسافت توان عبور از چند انسان را دارد. مثلاً فشنگ جنگی ثاقب تفنگ کلاشینکف با برد نهایی حدود 2200 متر اگر در فاصله 1700 متری به انسان‌ها برخورد کند به دلیل اینکه هنوز می‌توانسته است 500 متر دیگر پرواز کند توان عبور از بدن یک انسان را دارد و این موضوع در جوامع بشری که مملو از وجود انسان‌ها است دور از انتظار نیست (همان: 17).

سلاح‌های سبک مرگبار امروزی در صورت تیراندازی در حالت رگبار نواخت تیری حدود 10 تیر بر ثانیه دارد که هر تیر حدود  $\frac{2}{3}$  برابر سرعت صوت، سرعت دارد و برد



نهایی مرمی فشنگ چنین سلاحی بین 3 تا 4 هزار متر است. در صورتی که این صفات را در قانون ژول قرار دهیم هر مرمی فشنگ از این نوع در برد مؤثر 200 متر می‌تواند از 6 یا 7 نفر عبور کند عمق فاجعه زمانی است که چنین رگباری در یک اجتماع بشری شلیک شده باشد. اینها واقعیت‌های تلخی است که در کاربرد اسلحه و مهمات کشنده وجود دارد که پلیس باید با آنها آشنا باشد تا بتواند عملیات‌های انتظامی با سلاح‌های مرگبار را در جامعه مدیریت نموده، تلفات مردم حاضر در صحنه عملیات را کاهش دهد (همان: 54).

آسیب‌های غیرقابل کنترل سلاح‌های کشنده از جمله سلاح‌های پلیسی: با توجه به مطالب قسمت قبل یکی از گزینه‌های که تاحدودی می‌تواند معضلات بالا از قبیل برد زیاد و عبور از نفرات متعدد را برطرف نماید، استفاده از سلاح‌های پلیسی است.

البته با به این نکته نیز توجه نمود که حتی مرمی فشنگ سلاح‌های پلیسی با صفات فوق‌الذکر در صورت برخورد به نقاط حساس بدن (کمر به بالا) در برد مؤثر معمولاً به دلیل رد شدن از ارگان‌های حساس و حیاتی بدن موجب مرگ هدف، افراد بی‌گناه حاضر در صحنه عملیات و یا شخص تیرانداز یا اعضای خانواده وی شده است.

یکی از این سلاح‌های پلیسی که در سازمان پلیس استفاده می‌شود سلاح رولور است که تقریباً دارای بیشتر مشخصات بالا است اما در پژوهشی که در معاونت تربیت و آموزش ناجا با عنوان عوامل مؤثر بر تیراندازی منجر به جرح و فوت کارکنان پلیس در 112 پرونده مطروحه پرداخته تعداد 21 مورد از آسیب‌ها توسط این سلاح وارد شده که نشانگر این موضوع است که حتی سلاح‌های پلیسی هم آسیب‌های کنترل نشده زیادی را به متهمان و نفرات حاضر در صحنه مأموریت‌های پلیسی وارد می‌سازد.

عامل دیگری که بیشترین تأثیر بر کشته شدن افراد در صحنه را دارد فرد تیرانداز است که با کسب مهارت تیراندازی در دوره آموزشی توانایی و جرأت تیراندازی و استفاده از سلاح در مأموریت‌های پلیسی را به دست می‌آورد لذا به صورت مختصر به نحوه آموزش تیراندازی در سازمان پلیس می‌پردازیم.

## فواید اجتماعی و اقتصادی استفاده از سلاح غیرکشنده

کاهش تلفات انسانی: با مطالعه پرونده‌های تیراندازی منجر به جرح و فوت تلفات انسانی متفاوتی دیده می‌شوند و اکثر نفراتی که در اثر تیراندازی‌ها کشته می‌شوند در نهایت پس از دستگیری به چند سال زندان محکوم می‌شوند و تعدادی از کشته و مجروحان نیز انسان‌های بی‌گناه حاضر در صحنه هستند؛ لذا با به‌کارگیری سلاح غیرکشنده مأموران برای متوقف‌نمودن یک کیف‌قاپ یا یک زندانی در حال فرار و دیگر نفراتی که مسلح نیستند می‌توانند از سلاح‌های غیرکشنده استفاده نمایند همین استفاده از سلاح غیرکشنده سبب عدم استفاده از سلاح کشنده در هر موردی شده که خود این موضوع سبب کاهش تیراندازی و در نتیجه کاهش تلفات انسانی می‌گردد.

**جامعه محوری پلیس:** رویکرد «پلیس جامعه محور» در یکی دو دهه گذشته نه تنها به لحاظ تئوریک بلکه به لحاظ تجربی نیز رشد قابل توجهی داشته است و به جرأت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اثربخشی و کارایی «پلیس جامعه محور» توانایی آن در کاهش احساس ناامنی شهروندان است. به لحاظ نظری با توجه به اتخاذ رویکرد پایین به بالا و شکل‌دهی و ارتقای سرمایه اجتماعی و از طریق شناسایی و پیشگیری از وقوع جرم و توجه به دیدگاه‌های شهروندان، «پلیس جامعه محور» می‌تواند به افزایش رضامندی، احساس امنیت و در نهایت کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند. از لحاظ تجربی نیز شواهد حاکی از آن است که پیاده‌سازی برنامه‌های «پلیس جامعه محور» و آگاهی شهروندان، از این امر، فارغ از شیوه اجرای آن، در بیشتر موارد موجب کاهش احساس ناامنی شهروندان شده است (همتی، 1386: 131). حال سوال اینجاست که به‌کارگیری سلاح و تجهیزات غیرکشنده در مقبولیت پلیس در جامعه تأثیرگذار است یا نه؟

در پاسخ به این سوال می‌توان به نتایج پژوهشی که در این زمینه انجام شده استناد نمود. محقق در پاسخ به این سوال به این نتیجه رسید که از نظر مردم و شهروندان به‌کارگیری سلاح و تجهیزات غیرکشنده به دلایل چند کاره بودن، کمترین آسیب‌رسانی، کارایی مناسب و از همه مهم‌تر احتمال حداقل خطا در کاهش عواقب ناشی از برخوردهای پلیسی مؤثر بوده و سبب بالا رفتن مقبولیت پلیس در جامعه می‌شود (مقیسه، 1392: 152).

**کاهش هزینه‌های پرداخت دیه:** دیه در پرونده‌هایی که مأموران در زمان تیراندازی شرایط قانونی تیراندازی، نکات فنی و مهارتی را رعایت نکنند منتج به دیه می‌گردد؛ البته در مواردی نیز قصاص با کسب رضایت ولی دم به دیه تبدیل می‌گردد یکی از مشکلات ناشی از به‌کارگیری سلاح گرم در مأموریت‌های پلیسی است به نحوی که سالانه تعداد زیادی از افسران و درجه‌داران پلیس برای ارتکاب قتل یا صدمات جسمانی ناشی از به‌کارگیری سلاح در دادگاه‌ها مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در بعضی موارد شخصاً محکوم و در موارد دیگر سازمان پلیس متکفل پرداخت دیه می‌گردد و مبلغی که سالانه به عنوان دیه به متهمین یا مجرمین غیرمه‌دورالدم یا افراد غیرمقصر (مردم عادی موجود در صحنه عملیات پلیسی) پرداخت می‌گردد بالغ بر چندین میلیارد تومان است. حال با توجه به تأثیر قابل اثبات کاهش تلفات انسانی در استفاده از سلاح‌های غیرکشنده با پایین آمدن تلفات به موازات آن دیه پرداختی سازمان نیز کمتر شده و این مبالغ را می‌توان برای تعالی کارکنان و سازمان نیروی انتظامی استفاده نمود.

#### فواید سازمانی استفاده از سلاح غیرکشنده

**کاهش شکایات از کارکنان:** با توجه به مطالب قبل و اثرات استفاده از سلاح‌های کشنده در جامعه و تعقیب متهمان و دیگر مأموریت‌ها که اولین اقدامی که بر علیه مأموران اتفاق می‌افتد شکایت از مأمور است. این شکایت‌ها اثرات مختلفی بر کار یک مأمور می‌گذارد، که می‌تواند به سلب انگیزه، روحیه، حمیت قسمتی و دیگر موارد منتج گردد این درحالیست که بسیاری از فجایعی که در اثر استفاده از سلاح کشنده در مأموریت‌ها به وجود می‌آید در به‌کارگیری سلاح و تجهیزات غیرکشنده به حداقل آمار می‌رسد و تصویب قوانین بین‌المللی به منظور استفاده از سلاح و تجهیزات غیرکشنده اثبات‌کننده این موضوع است. پس در صورتی که گلوله‌ای که قبلاً سبب مرگ فرد می‌شود در نهایت بدشاندگی سبب زخمی‌شدن همان فرد شود، خود نشانگر پایین آمدن صدمات جسمانی و جانی می‌گردد که در نتیجه شکایت از کارکنان در این زمینه نیز مطمئناً کاهش خواهد یافت. و کارکنان با شجاعت بیشتری به مأموریت‌های خود می‌پردازند.

**عدم سلب انگیزه در مأموران:** در به‌کارگیری سلاح، دست مأموران آن قدر که تصور می‌شود، باز نیست. لذا استفاده از سلاح‌های غیرکشنده به عنوان سلاح جایگزین می‌تواند

ضروری باشد تا مأموران دچار عواقب قانونی آن نشوند. از سوی دیگر، مأموران در اغلب موارد در بهره‌برداری از سلاحی که می‌دانند کشنده نیست در اجرای مأموریت راحت‌تر هستند زیرا اولین اتفاقی که برای بسیاری از مأموران به محض اینکه پایشان به محاکم باز می‌شود از دست دادن روحیه خدمتی و سلب انگیزه که این عمل تأثیر بسیار بدی بر نحوه خدمت آتی آنها خواهد داشت.

### راهکارهای مناسب برای استفاده مؤثر از سلاح‌های غیرکشنده و کشنده

راهکارهای مناسب برای استفاده مؤثر از سلاح‌های کشنده: در استفاده از سلاح‌های کشنده باید به موارد زیر توجه نمود:

- برای هر موضوعی نباید بلافاصله دست به سلاح شد.
- در مواقعی که فرد مسلح است و امکان استفاده از سلاح را دارد از سلاح کشنده استفاده شود.
- سعی شود در محیط‌های شهری افسران پلیس سلاح و مهمات پلیسی استفاده نمایند.
- در صورت ضرورت برای استفاده از سلاح کشنده حتماً با شلیک هوایی گلوله غیرکشنده، به متهم اخطار داد شود.
- استفاده از سلاح‌هایی که برد کمتری دارند.
- استفاده از گلوله‌هایی که نفوذ کمتری دارند.
- به هیچ عنوان اقدام به تیراندازی رگباری نکنند.
- در تعقیب و گریز حتماً به برد سلاح، شلوغ یا خلوت بودن محل و امکان برخورد گلوله به افراد و اهمیت جرم اتفاق افتاده توجه نموده و در صورت نبود شرایط اقدام به تیراندازی ننمایند.

### راهکارهای مناسب برای استفاده مؤثر از سلاح‌های غیرکشنده

- هنگامی که سایر روش‌های پلیسی غیرمرگبار (شوک الکتریکی، گاز اشک‌آور) آزمایش شده و با شکست مواجه شده باشد، یا با توجه به شرایط موجود، احتمال اینکه در صورت آزمایش به موفقیت بینجامد اندک باشد و

اوضاع و احوال به‌گونه‌ای باشد که مأمورین چاره‌ای جز به‌کارگیری مهمات غیرکشنده نداشته باشند.

- هنگامی که استفاده از آنها در کلیه مأموریت‌های نیروی انتظامی برای حفظ جان فرد یا افراد مورد هدف یا سایر افراد در صحنه عملیات یا اجرای مأموریت و کاهش خسارات جدی به آنها ضروری تشخیص داده شود.
- به علت تنوع مأموریت‌های پلیسی، فراهم کردن لیست مشخص از شرایطی که تنها در آن شرایط استفاده از گلوله‌های غیرکشنده مجاز است ممکن نیست. استفاده از سلاح و مهمات غیرکشنده در مواردی مجاز است که از پا درآوردن سریع هدف لازم نیست و تهدید پیش‌رو را می‌توان بدون استفاده از مهمات مرگبار کنترل و خنثی کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات یا معضلاتی که مأموران پلیس با آن دست به‌گریبان هستند مشکلات ناشی از به‌کارگیری سلاح کشنده در مأموریت‌های پلیسی است به نحوی که سالانه تعداد زیادی از افسران و درجه‌داران پلیس برای ارتکاب قتل یا صدمات جسمانی ناشی از به‌کارگیری سلاح در دادگاه‌ها مورد محاکمه قرار می‌گیرند و در بعضی موارد شخصاً محکوم به پرداخت دیه، زندان یا در مواردی قصاص شده و در موارد دیگر سازمان پلیس متکفل پرداخت دیه می‌گردد و مبلغی سالانه به عنوان دیه به متهمین یا مجرمین غیرمهدورالدم یا افراد غیرمقتصر (مردم عادی موجود در صحنه عملیات پلیسی) پرداخت می‌گردد بالغ بر چندین میلیارد تومان است. استفاده از سلاح‌های کشنده به وسیله افسران پلیس هم اکنون دو مشکل جدی برای جامعه ایجاد کرده است.

اول: استفاده از سلاح‌های کشنده به کرات سبب بازشدن پای افسران استفاده‌کننده از آن به دادگاه و محکوم‌شدن به پرداخت دیه، قصاص و زندان شده است و از طرفی پلیسی هم که از این موارد رهایی پیدا کند در مواردی که حتی نیاز واقعی به استفاده از سلاح‌های کشنده است، به دلیل تجربه قبلی از سلاح استفاده نخواهد کرد (حادثه سعادت آباد).

دوم: عده‌ای از مردم در نتیجه استفاده افسران پلیس از سلاح کشنده دچار آسیب جدی و دچار ضرر و زیان مالی و جانی می‌شوند. درحالی‌که به‌نظر می‌رسد با سیاست تقنینی درست و حذف بعضی از موارد غیرضرور در به‌کارگیری سلاح کشنده و یا به‌کارگیری سلاح‌های غیرکشنده برای کنترل متهمین، مجرمین و اغتشاشات می‌توان جلوی بسیاری از این خونریزی‌ها را گرفت که هم مأموران پلیس درگیر پرونده پرحاشیه و زمانگیر نگردند و هم سازمان پلیس برای تأمین بودجه پرداخت دیه به مضیقه نیفتد و این مبالغ را صرف تعالی سازمانی نماید و مهم‌تر از همه اینکه خانواده‌ای سرپرست و نان‌آور یا عضوی از خود را از دست ندهد که به هیچ وجه قابل جبران نبوده و جایگزینی برای تسکین آلام آنها پیدا نمی‌شود. در پایان با نیم‌نگاهی به قوانین بین‌المللی و کارشناسان خبره که سالیان سال در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند بهترین راه‌حل تغییر سلاح پلیس از کشنده به غیرکشنده است که به نظر این رویکرد قدم بزرگی در احتیاط در دماء و حفظ جان انسان‌هایی است که در زمان اجرای مأموریت‌هایی پلیسی و برخورد قاطع با متهمین در داخل کوچه، خیابان و اماکن شهری حضور داشته (مرد، زن، بچه، کودک و ...) که در صورت عدم استفاده صحیح از سلاح‌های کشنده ممکن است به‌جای متوقف‌نمودن متهم، به اشتباه مرد، زن، کودک و ... متوقف و از بین بروند که نمونه‌های این موضوع زیاد دیده شده است که برای حل این موضوع تنها موردی که به نظر می‌رسد مجهز شدن پلیس به سلاح‌های غیرکشنده متناسب با مأموریت محوله است. نتایج بدست آمده از این تحقیق که پاسخی به سوالات تحقیق است به شرح زیر است:

1. مبانی توجیهی استفاده از سلاح غیرکشنده در تعقیب متهمان حق بینادین حیات و تکلیف دولت‌ها به حفظ آن و احتیاط در دماء است به نحوی که در موازین بین‌المللی فقط در صورت وجود خطر شدید که حیات جامعه را تهدید مجوز استفاده از سلاح کشنده را داده است اما در کشور ایران با تمام منابع که اعلام شد در بسیاری از موارد غیرضرور می‌تواند از سلاح استفاده کند که خود این عمل سبب افزایش تلفات و دیگر موارد مرتبط به آنها می‌شود.

2. مسئولیت‌آور بودن به‌کارگیری سلاح کشنده برای مأموران سبب باز شدن پای مأموران به دادگاه شده و سبب آسیب‌های فردی زیادی از جمله محکومیت به

زندانی، دیه و قصاص می‌شود و بسیاری از مرگ‌ومیرها ناشی از سلاح‌های کشنده به علت خطرات گلوله‌های جنگی، آسیب‌های غیرقابل کنترل سلاح‌های کشنده از جمله سلاح‌های پلیسی و مشکلات آموزش تیراندازی با سلاح کشنده است و بیشترین آسیب‌ها به علت دلایل بیان شده است و از دلایل سلبی استفاده از سلاح کشنده در تعقیب متهمان است که توجیه‌گر استفاده از سلاح غیرکشنده است.

3. استفاده از سلاح غیرکشنده دارای فواید تعیین کننده‌ای است که به سه بخش کلی تقسیم می‌گردد.

الف. اولین فواید اجتماعی و اقتصادی ناشی از به‌کارگیری سلاح غیرکشنده کاهش تلفات انسانی است که با توجه به آیات قرآن، احادیث و منابع فقهی حفظ جان انسان و احتیاط در دماء یکی از مهم‌ترین اثرات استفاده از سلاح غیرکشنده است.

ب. دومین اثر استفاده از سلاح غیرکشنده با توجه ماهیت سلاح که کشنده نیست سبب افزایش جامعه محوری پلیس از منظر مردم می‌گردد که خود این امر سبب بالا رفتن رضایت از سازمان می‌گردد و در ضمن سبب کاهش هزینه‌های پرداخت دیه می‌شود که خود این امر سبب حفظ بودجه سازمان و صرف تعالی سازمانی می‌گردد.

ج. با کاهش قتل و صدمه جسمانی در حوزه مأموریت‌های پلیس این امر سبب کاهش شکایات از کارکنان، و عدم سلب انگیزه از مأموران می‌گردد که خود این امر نقش بسزایی در پویایی سازمان دارد. با بررسی بیشتر به راهکارهای مناسب برای استفاده مؤثر از سلاح‌های غیرکشنده و کشنده دست پیدا نمودیم که از دلایل ایجابی استفاده از سلاح غیرکشنده در تعقیب متهمان است.

### پیشنهادها

1- پیشنهاد می‌گردد قانون به‌کارگیری سلاح اصلاح شده و موارد استفاده از سلاح کشنده محدود به موارد زیر گردد.

- افسران پلیس نباید از سلاح گرم علیه فردی استفاده نمایند، مگر:
- در دفاع از خود یا دیگری در برابر تهدید فوری مرگ یا جراحت شدید بدنی؛

- پیشگیری از ارتکاب جرم مهم که خطر جدی به حیات دیگری در پی دارد؛
  - بازداشت فردی که چنین خطری ایجاد و در برابر آنها مقاومت می‌کند؛
  - به منظور پیشگیری از فرار وی، فقط در صورتی که اقدامات کمتر از تیراندازی برای نیل به این هدف کافی نباشد. در هر واقعه‌ای، استفاده عمدی مرگبار سلاح گرم، فقط در صورتی جایز است که برای حمایت از جان، مطلقاً ضرورت داشته باشد.
- افسران پلیس باید حضور خود را به متهم اعلام و قصد تیراندازی خود را به صورت آشکار به متهم اعلام نمایند و فرصت کافی برای اجرای دستور را به متهم بدهند، مگر اینکه انجام این اقدامات خطر بیش از حد جانی یا جراحت شدید برای پلیس یا دیگری در پی داشته باشد یا آشکارا با شرایط واقعه تناسب نداشته و بی‌معنا باشد.
- 2- پیشنهاد می‌گردد در قانون به‌کارگیری سلاح استفاده از سلاح غیرکشنده پیش‌بینی شود و سازمان پلیس ملزم شود مأموران پلیس را به سلاح غیرکشنده مجهز کند.
  - 3- پیشنهاد می‌شود که تعریف مشخص از سلاح متناسب در ماده 10 قانون به‌کارگیری سلاح ارائه گردد.
  - 4- پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه برگشت مرمی که هوایی شلیک شده می‌تواند در صورت برگشت آسیب به همراه داشته باشد درخصوص تیراندازی هوایی که به منظور اخطار به متهمین داده می‌شود فقط از فشنگ گازی، مشقی یا گلوله‌های غیرکشنده استفاده شود.
  - 5- پیشنهاد می‌شود در درگیری‌های مسلحانه از سلاح‌های پلیسی استفاده شود.
  - 6- پیشنهاد می‌شود در اصلاح قانون به‌کارگیری سلاح، سلاح‌های قابل استفاده در محیط شهری و برون شهری تعریف و مشخص شود.
  - 7- پیشنهاد می‌شود برای هریک از پلیس‌های تخصصی با توجه نوع مأموریت سلاح تخصصی مشخص گردد.
  - 8- پیشنهاد می‌شود برای هریک از پلیس‌های تخصصی با توجه نوع مأموریت یک یا چند سلاح غیرکشنده مشخص گردد.



## منابع

- افراسیابی، علی (1394). اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران با انگلیس). مجله حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره 9، ص 199-224.
- اقلیمی، قاسم (1395). پلیس و تیراندازی عملیاتی. تهران: نشر معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- پوپر، کارل ریموند (1363). حدس‌ها و ابطال‌ها. ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پورهاشمی، عباس (1383). زندان هنر تنبیه یا مجازات قانونی. چاپ اول، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم
- حسینی، سیدرضا (1394). بررسی علمی و کاربردی مقررات به کارگیری سلاح. تهران: نشر میزان.
- رضوی، محمد (1392). کاربرد قانونی سلاح (از منظر مقررات ملی و بین‌المللی). تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور (1388). مسئولیت مدنی پلیس. چاپ اول، تبریز: انتشارات فردوسی.
- صفری کاکرودی، عابدین (1391). مسئولیت مأموران پلیس در پرتو قاعده ضرورت. تهران: فصلنامه دانش انتظامی، ص 81-126.
- صفری کاکرودی، عابدین (1395). کتاب موانع مسئولیت کیفری مأموران پلیس. تهران: نشر میزان.
- ظهرا بیان، محمد (1387). نقش سلاح‌های غیرمربار در عملیات پلیس. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی معاونت آحاد و پشتیبانی ناجا شماره 248.
- کشتکار، محسن (1392). بررسی تطبیقی حق حیات در نظام حقوق بشر بین‌الملل و نظام حقوق بشر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید.
- مال میر، محمود (1386). شرح قانون جرائم نیروهای مسلح. چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- محقق اردبیلی، احمد (1416). مجمع الفائده و البرهان. جلد 13. قم: موسسه نشر اسلامی.
- مقیسه، حمیدرضا (1392). الزامات راهبرد تغییرات رفتاری و راهبرد استفاده از سلاح و تجهیزات غیرمربار و نیمه‌مربار در مأموریت‌های پلیسی (انتظامی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- مودتی، علی (1390). سلاح‌های غیرکشنده، تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- میرخلیلی، سید محمود (1390). سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی. مجله حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره 31، ص 95-125.
- هاشمی، محمد (1384). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان.
- همتی، رضا (1386). پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی. تهران: فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، ص 131-147.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی